

به نام خدا

ماهیت تفسیر اجتماعی و نسبت آن با تفسیر عقلی

مؤلف :

فاطمه فاطمی نهاد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : فاطمی نهاد، فاطمه، ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور : ماهیت تفسیر اجتماعی و نسبت آن با تفسیر عقلی / مولف: فاطمه فاطمی نهاد
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۱۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۴۹-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : ماهیت - تفسیر اجتماعی - تفسیر عقلی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : ماهیت تفسیر اجتماعی و نسبت آن با تفسیر عقلی

مولف : فاطمه فاطمی نهاد

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: محدثه فرهمند

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵

چاپ: زیرجذ

قیمت: ۱۹۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۴۹-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار.....	۹
طلیعه:.....	۱۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم بنیادین.....	۱۳
مفهوم‌شناسی تفسیر.....	۱۳
مفهوم‌شناسی جامعه و امر اجتماعی.....	۱۴
تعریف اولیه تفسیر اجتماعی.....	۱۵
فصل دوم: پیشینه و سیر تاریخی تفسیر اجتماعی قرآن.....	۱۷
مقدمه:.....	۱۷
ریشه‌های اجتماعی تفسیر در قرآن.....	۱۸
اجتماعی بودن مخاطب در خطابات قرآنی.....	۱۸
غایت اجتماعی هدایت قرآنی.....	۱۹
مفاهیم کلیدی اجتماعی در متن قرآن.....	۲۰
پیوند احکام شرعی با نظم اجتماعی.....	۲۰
نقد قرآن بر ساختارهای اجتماعی ناعادلانه.....	۲۱
قرآن به مثابه متن اجتماعی:.....	۲۲
جلوه‌های توجه اجتماعی در تفاسیر کلاسیک: (از آغاز تا قرن ششم هجری).....	۲۲
تفسیر مآثور و بازتاب واقعیت‌های اجتماعی.....	۲۳
تفاسیر فقهی و نگاه تنظیم‌گر به جامعه.....	۲۳
تفاسیر کلامی و دفاع از نظم اعتقادی - اجتماعی.....	۲۴

۲۴.....	تحلیل اجتماعی در تفاسیر ادبی و بلاغی
۲۵.....	تفاسیر جامع و گذار تدریجی به نگاه کلان اجتماعی
۲۵.....	چرا تفسیر اجتماعی در این دوره نظام‌مند نشد؟
۲۵.....	شکل‌گیری خودآگاهانه تفسیر اجتماعی در دوره‌ی معاصر
۲۶.....	زمینه‌های تاریخی و فکری ظهور تفسیر اجتماعی
۲۶.....	تفسیر المنار و آغاز صورت‌بندی آگاهانه تفسیر اجتماعی
۲۷.....	سید قطب و قرائت جنبشی - اجتماعی از قرآن
۲۷.....	علامه طباطبائی و عقلانیت اجتماعی در تفسیر قرآن
۲۸.....	ویژگی‌های متمایز تفسیر اجتماعی معاصر
۲۹.....	جمع‌بندی: از زمینه تا رویکرد
۲۹.....	ارزیابی انتقادی تفسیر اجتماعی قرآن
۲۹.....	ظرفیت‌ها، دستاوردها و آسیب‌های روشی
۲۹.....	ظرفیت‌ها و کارکردهای مثبت تفسیر اجتماعی
۳۰.....	خطر تقلیل قرآن به متن ایدئولوژیک
۳۱.....	خلط میان «تفسیر» و «تطبیق اجتماعی»
۳۱.....	بی‌توجهی به سنت تفسیری و خطر گسست معرفتی
۳۱.....	ضرورت پیوند تفسیر اجتماعی با عقلانیت تفسیری
۳۳.....	فصل سوم: ماهیت و تعریف تفسیر اجتماعی قرآن
۳۳.....	مقدمه:
۳۴.....	مسئله‌ی تعریف تفسیر اجتماعی قرآن
۳۴.....	کاربردهای متنوع و ناهمگون اصطلاح «تفسیر اجتماعی»

خلط میان «تفسیر» و «قرائت اجتماعی»	۳۵
نسبت مبهم تفسیر اجتماعی با روش‌های معتبر تفسیری	۳۶
پیامدهای فقدان تعریف دقیق	۳۷
ضرورت رویکرد تحلیلی در تعریف تفسیر اجتماعی	۳۷
تفسیر اجتماعی؛ روش تفسیری یا رویکرد تفسیری؟	۳۸
عناصر سازنده تفسیر اجتماعی قرآن	۳۹
مرزهای تفسیر اجتماعی با تفسیر به رأی و قرائت ایدئولوژیک	۴۱
فصل چهارم: نسبت تفسیر اجتماعی و تفسیر عقلی	۴۳
مقدمه:	۴۳
تفسیر عقلی قرآن: مفهوم، خاستگاه و جایگاه در سنت تفسیری	۴۴
مفهوم عقل در علوم قرآنی و تمایز آن از عقل فلسفی و کلامی	۴۴
جایگاه عقل در فرآیند فهم قرآن از منظر مفسران کلاسیک	۴۶
کارکردهای عقل در تفسیر قرآن و نسبت آن با تحلیل اجتماعی آیات	۴۸
نسبت عقلانیت تفسیری با تفسیر اجتماعی معاصر	۵۱
نقدها و چالش‌های تفسیر اجتماعی عقل‌محور	۵۳
فصل پنجم: کاربریت تفسیر اجتماعی قرآن در تحلیل آیات و مسائل عینی جامعه	۵۹
مقدمه:	۵۹
اصول روشی کاربریت تفسیر اجتماعی	۶۰
تفکیک میان مرحله تفسیر و مرحله تطبیق اجتماعی	۶۱
نقش سیاق در فهم دلالت‌های اجتماعی آیات	۶۳
معیارهای تشخیص دلالت اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم در آیات قرآن	۶۵

نسبت دلالت اجتماعی آیات با عقل، عرف و تجربه تاریخی	۶۸.....
آسیب‌شناسی تفسیر اجتماعی و مرز آن با تفسیر به رأی	۷۱.....
فصل ششم: نسبت تفسیر اجتماعی با تفسیر عقلی	۷۷.....
مقدمه:	۷۷.....
تفسیر عقلی؛ مفهوم، مبانی و جایگاه آن در سنت تفسیری	۷۸.....
عقل در قرآن؛ کارکردها و حدود آن در فهم حیات اجتماعی	۸۱.....
نسبت تفسیر اجتماعی با تفسیر عقلی؛ هم‌پوشانی‌ها، افتراق‌ها و ضوابط تعامل	۸۳.....
حدود و ضوابط عقل در تفسیر اجتماعی قرآن	۸۶.....
فصل هفتم: نمونه‌ها و کاربردهای معاصر تفسیر اجتماعی قرآن	۹۱.....
مقدمه:	۹۱.....
تفسیر اجتماعی در تفاسیر جامع معاصر شیعه	۹۲.....
تفسیر اجتماعی در اندیشه و آثار امام خمینی	۹۴.....
رهیافت اجتماعی به قرآن در بیانات و تفسیر آیات از منظر مقام معظم رهبری	۹۶.....
نسبت حکمت متعالیه و تفسیر اجتماعی قرآن با تأکید بر ملاصدرا	۹۹.....
حسن ختام:	۱۰۴.....
فهرست منابع و مآخذ:	۱۰۷.....

«تقدیم ہے»

ایز تحفہ علمی و قرآنی را تقدیم می‌کنم بہ بہترین:

بہترین مفسر قرآن حضرت رسالت، محمد مصطفیٰ

بہترین وصی رسالت، حضرت امیر المومنین

بہترین مادر رسالت، حضرت فاطمہ زہرا

بہترین مجاہد را تقدیم رسالت، شہداء اہل بیت و انقلاب اسلام

پیشگفتار

قرآن کریم از آغاز نزول، کتاب هدایت انسان در تمامی ساحت‌های حیات فردی و جمعی بوده است. این کتاب الهی، در کنار دعوت انسان به ایمان، تقوا و تزکیه نفس، به‌گونه‌ای گسترده و بنیادین به سامان‌دهی روابط اجتماعی، تحقق عدالت، مبارزه با ظلم، مسئولیت‌پذیری جمعی و شکل‌دهی به حیات امت توجه داشته است. از همین‌رو، فهم قرآن بدون توجه به بُعد اجتماعی آن، فهمی ناقص و تقلیل‌یافته خواهد بود که نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای واقعی جوامع انسانی، به‌ویژه جامعه اسلامی، باشد.

با وجود این حقیقت روشن، در بخش قابل توجهی از تاریخ تفسیر قرآن، تمرکز اصلی مفسران بیشتر بر جنبه‌های ادبی، لغوی، کلامی و فقهی آیات بوده و ابعاد اجتماعی قرآن غالباً به‌صورت پراکنده، ضمنی و غیرنظام‌مند مورد توجه قرار گرفته است. هرچند این تلاش‌ها ارزشمند و ضروری بوده‌اند، اما تحولات عمیق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران معاصر، پرسش‌های تازه‌ای را پیش روی اندیشه دینی نهاده است؛ پرسش‌هایی که بدون بازخوانی اجتماعی قرآن، پاسخ‌های متقن و کارآمد نخواهند یافت.

تفسیر اجتماعی قرآن، پاسخی روشمند به این نیاز تاریخی و معرفتی است. این رویکرد می‌کوشد با حفظ وفاداری کامل به متن وحی و اصول معتبر تفسیر، دلالت‌های اجتماعی آیات قرآن را کشف، تحلیل و تبیین کند و نسبت آن‌ها را با مسائل عینی جامعه روشن سازد. تفسیر اجتماعی نه به‌معنای تحمیل نظریه‌های بیرونی بر قرآن است و نه جایگزینی علوم اجتماعی، بلکه تلاشی عقلانی و منضبط برای فهم هدایت اجتماعی قرآن در بستر واقعیت‌های انسانی و تاریخی است.

کتاب حاضر با همین دغدغه شکل گرفته است. هدف اصلی آن، تبیین ماهیت تفسیر اجتماعی، ضرورت آن در جهان معاصر و بررسی نسبت دقیق این رویکرد با تفسیر عقلی است. نویسنده بر این باور است که تفسیر اجتماعی، نه در تقابل با عقلانیت تفسیری، بلکه در امتداد آن قرار دارد و می‌تواند با بهره‌گیری از عقل، سنت و شناخت واقعیت اجتماعی، افق‌های تازه‌ای در فهم قرآن بگشاید. از این‌رو، در این اثر تلاش شده است ضمن پرهیز از قرائت‌های ایدئولوژیک و تفسیر به رأی، چارچوبی علمی و قابل دفاع برای تفسیر اجتماعی ارائه شود.

در این مسیر، از منابع تفسیری کلاسیک و معاصر شیعه و اهل سنت، آثار اندیشمندان اسلامی و نمونه‌های برجسته تفسیر اجتماعی در دوران معاصر بهره گرفته شده است تا بحث، صرفاً نظری و انتزاعی نباشد، بلکه پشتوانه‌ای متقن و ریشه‌دار داشته باشد. ساختار کتاب به گونه‌ای تنظیم شده است که خواننده را به صورت تدریجی از مباحث مفهومی و تاریخی به مبانی روش‌شناختی و سپس به نمونه‌های عینی و تطبیقی رهنمون سازد.

امید است این اثر بتواند گامی هرچند محدود، اما سنجیده و روشمند، در جهت تعمیق فهم اجتماعی قرآن، تقویت پیوند میان متن وحی و مسائل جامعه، و گشودن افق‌های تازه‌ای در مطالعات تفسیری بردارد؛ گامی که هم برای پژوهشگران علوم قرآنی و هم برای دغدغه‌مندان اندیشه اجتماعی اسلام، سودمند و الهام‌بخش باشد.

طلیعه:

قرآن کریم از آغاز نزول، صرفاً به عنوان متنی فردی یا آیینی برای تهذیب درونی انسان‌ها عرضه نشد، بلکه کتابی ناظر به هدایت انسان در ساحت فردی و جمعی، و سامان‌دهی حیات اجتماعی بشر بود. ساختار خطابات قرآنی، تنوع مخاطبان، و حجم قابل توجهی از آیات ناظر به روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی، گواهی روشن بر این مدعاست. با این حال، در تاریخ تفسیر قرآن، توجه به ابعاد اجتماعی آیات همواره به صورت یکدست و نظام‌مند پیگیری نشده و اغلب در ذیل رویکردهای کلامی، فقهی یا ادبی مستهلک شده است.

تفاسیر کلاسیک، هرچند در بسیاری موارد به لوازم اجتماعی آیات توجه داشته‌اند، اما این توجه غالباً ضمنی، پراکنده و غیرمسئله‌محور بوده است. مفسر بیش از آنکه با دغدغی حل مسائل عینی جامعه به سراغ قرآن برود، در پی تبیین مفردات، اعراب، اسباب نزول یا دفاع کلامی از آموزه‌های اعتقادی بوده است. از این رو، «امر اجتماعی» در تفسیر سنتی، بیشتر در حاشیه‌ی مباحث اصلی قرار گرفته و کمتر به مثابه یک محور مستقل و آگاهانه مورد توجه واقع شده است.

در دوران معاصر، با پیچیده‌تر شدن ساختارهای اجتماعی، ظهور دولت مدرن، گسترش نهادهای اقتصادی و سیاسی، و طرح مسائل نوپدیدی چون عدالت ساختاری، فقر سیستماتیک، سلطه، هویت جمعی و مسئولیت اجتماعی، پرسش از نسبت قرآن با جامعه، به گونه‌ای جدی‌تر و صریح‌تر مطرح شده است. در چنین بستری، تفسیر قرآن اگر بخواهد کارکرد هدایتی خود را حفظ کند، ناگزیر از عبور از قرائت‌های صرفاً فردگرایانه و ورود آگاهانه به ساحت مسائل اجتماعی است.

از دل این نیاز تاریخی و معرفتی، رویکردی با عنوان «تفسیر اجتماعی» سر برآورده است؛ رویکردی که می‌کوشد قرآن را نه صرفاً به عنوان متنی برای اصلاح فرد، بلکه به مثابه منبعی برای فهم، نقد و اصلاح مناسبات اجتماعی مورد مطالعه قرار دهد. تفسیر اجتماعی، برخلاف پندار رایج، به معنای تحمیل نظریه‌های جامعه‌شناختی بر قرآن نیست، بلکه تلاشی است روشمند برای کشف دلالت‌های اجتماعی متن، با حفظ وفاداری به اصول معتبر تفسیر.

با این حال، تفسیر اجتماعی خود با پرسش‌ها و چالش‌های مهمی روبه‌روست: ماهیت دقیق این رویکرد چیست؟ آیا می‌توان از «تفسیر اجتماعی» به عنوان یک روش تفسیری مستقل سخن گفت یا صرفاً با یک گرایش و رویکرد مواجه‌ایم؟ مرز آن با تفسیر عقلی کجاست؟ و آیا توجه به جامعه،

لزوماً به معنای فاصله گرفتن از عقلانیت تفسیری و مبانی سنتی فهم قرآن است؟ این پرسش‌ها، نشان می‌دهد که پرداختن به تفسیر اجتماعی، بدون تحلیل نظری و روش‌شناختی، می‌تواند به سطحی‌نگری یا حتی ایدئولوژیک شدن تفسیر بینجامد.

مسئله‌ی اصلی این کتاب، تبیین علمی و نظام‌مند «تفسیر اجتماعی» از حیث ماهیت، تعریف، ضرورت و نسبت آن با تفسیر عقلی است. این اثر می‌کوشد نشان دهد که تفسیر اجتماعی نه در تقابل با عقل، بلکه در امتداد عقلانیت تفسیری و پاسخ‌گوی به نیازهای واقعی جامعه دینی شکل می‌گیرد. از این منظر، تفسیر اجتماعی را می‌توان تلاشی برای بازخوانی عقلانی متن قرآن در پرتو مسائل عینی حیات جمعی دانست.

روش این کتاب، تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر مطالعه‌ی منابع تفسیری کلاسیک و معاصر است. در این مسیر، افزون بر قرآن و سنت، از عقل و واقعیت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان عناصر مؤثر در فرایند فهم بهره گرفته می‌شود، بی‌آنکه جایگاه متن وحی تضعیف یا نسبی شود. تلاش شده است میان «استخراج معنا از متن» و «تطبیق آن بر واقعیت اجتماعی» تفکیکی روشمند صورت گیرد تا از خلط تفسیر با تفسیر به رأی یا قرائت‌های ایدئولوژیک پرهیز شود.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم بنیادین

مفهوم‌شناسی تفسیر

واژه‌ی «تفسیر» در لغت از ریشه‌ی «فَسَّرَ» به معنای کشف، بیان و آشکار ساختن چیزی پوشیده آمده است. لغویان عرب، تفسیر را به «الإبانة و الإظهار» تعریف کرده‌اند؛ یعنی برداشتن پرده از معنا و روشن‌سازی امر مبهم.^۱ این معنا، هسته‌ی اصلی مفهوم تفسیر را شکل می‌دهد و نشان می‌دهد که تفسیر ناظر به فرایندی معرفتی برای انتقال معنا از سطح اجمال و ابهام به سطح وضوح و فهم است.

در اصطلاح علوم قرآنی، تفسیر به دانشی اطلاق می‌شود که به بررسی و تبیین معانی آیات قرآن، با تکیه بر قواعد زبانی، سیاق، اسباب نزول و قرائن معتبر می‌پردازد. زرکشی تفسیر را «علمٌ يُبحثُ فيه عن أحوال القرآن من حيث دلالة علي مراد الله تعالى» تعریف می‌کند؛ تعریفی که به‌خوبی بر محوریت «مراد الهی» در فرایند تفسیر تأکید دارد.^۲ همچنین تعریف زرقانی در مناهل العرفان که گفته است: «علمٌ يبحث فيه عن القرآن من حيث دلالة علي مراد الله تعالى بقدر الطاقة البشرية»؛ تفسیر، علمی است که در آن به‌قدر توان بشری از احوال قرآن از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می‌شود.^۳ سیوطی نیز تفسیر را دانشی می‌داند که هدف آن، فهم مراد خداوند از قرآن کریم بر اساس زبان عربی و شواهد معتبر نقلی و عقلی است.^۴

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه «فسر».

^۲ زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۴۸.

^۳ الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳.

^۴ سیوطی، جلال‌الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۷۳.

در این تعاریف، چند عنصر اساسی مشترک به چشم می‌خورد: نخست، محوریت متن قرآن به‌عنوان منبع اصلی معنا؛ دوم، ضرورت التزام به قواعد فهم زبان و بافت نزول؛ و سوم، پرهیز از تفسیر به رأی و تحمیل پیش‌فرض‌های ناموجه بر متن. بر این اساس، تفسیر نه فعالیتی ذوقی یا صرفاً شخصی، بلکه کوششی روشمند و ضابطه‌مند برای فهم متن وحی است.

تمایز تفسیر از مفاهیمی چون «تأویل»، «تدبر» و «تفهم» نیز در همین چارچوب قابل توضیح است. تأویل، در کاربرد رایج آن، ناظر به بازگرداندن لفظ به معنای نهایی یا مصداق خارجی آن است و غالباً در مواردی به کار می‌رود که ظاهر آیه نیازمند تبیین عمیق‌تر یا رفع تعارض ظاهری است.^۱ تدبر، بیش از آنکه یک علم باشد، نوعی مواجهه‌ی تأملی و درونی با قرآن است که مخاطب را به تعمق در پیام‌های آیات فرا می‌خواند.^۲ در حالی که تفسیر، فعالیتی علمی با قواعد مشخص است و هدف آن، تولید فهم معتبر و قابل ارزیابی از متن می‌باشد.

با توجه به این تمایزات، می‌توان گفت تفسیر قرآن همواره در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که از متن برمی‌خیزد یا از سوی مخاطب به متن عرضه می‌شود. این پرسش‌ها، بسته به شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مفسر، می‌توانند متنوع باشند. از همین‌جا زمینه برای شکل‌گیری گرایش‌های مختلف تفسیری - از جمله فقهی، کلامی، ادبی، فلسفی و اجتماعی - فراهم می‌شود، بی‌آنکه اصل تفسیر از چارچوب‌های معتبر خود خارج شود.

مفهوم‌شناسی جامعه و امر اجتماعی

«جامعه» در ساده‌ترین تعریف، مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در بستر روابط پایدار، هنجارها، ارزش‌ها و ساختارهای مشترک با یکدیگر زندگی می‌کنند. در علوم اجتماعی، جامعه صرفاً تجمع

^۱ راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۳.

^۲ طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷.

افراد نیست، بلکه شبکه‌ای از روابط معنادار است که رفتار فردی را شکل می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد.^۱

در اندیشه‌ی اسلامی، جامعه جایگاهی بنیادی دارد. قرآن کریم انسان را نه صرفاً به‌عنوان فرد، بلکه به‌مثابه عضوی از یک کل اجتماعی مورد خطاب قرار می‌دهد. مفاهیمی چون «امت»، «قوم»، «ناس» و «جماعه» نشان‌دهنده‌ی نگاه جمع‌گرایانه‌ی قرآن به حیات انسانی است.^۲ افزون بر این، بسیاری از احکام و آموزه‌های قرآنی، ماهیتی اجتماعی دارند و ناظر به تنظیم روابط میان انسان‌ها هستند؛ از عدالت و قسط گرفته تا امر به معروف، تعاون، ولایت و مسئولیت جمعی.

«امر اجتماعی» در این چارچوب، به مجموعه‌ی پدیده‌ها، روابط و ساختارهایی اطلاق می‌شود که فراتر از اراده‌ی فردی، در سطح جمعی شکل می‌گیرند و حیات اجتماعی انسان را سامان می‌دهند. فقر، نابرابری، قدرت، سلطه، هویت جمعی و نظم اجتماعی، همگی مصادیقی از امر اجتماعی‌اند که قرآن به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آن‌ها پرداخته است.^۳

درک این نکته که قرآن واجد یک نگاه اجتماعی منسجم است، مقدمه‌ی ضروری برای طرح بحث تفسیر اجتماعی به‌شمار می‌آید. بدون پذیرش این مبنا، تفسیر قرآن به سطحی فردگرایانه تقلیل می‌یابد و بخش قابل توجهی از پیام هدایتی آن نادیده گرفته می‌شود.

تعریف اولیه تفسیر اجتماعی

با توجه به آنچه گذشت، «تفسیر اجتماعی» را می‌توان رویکردی در تفسیر قرآن دانست که تمرکز اصلی آن بر کشف، تبیین و تحلیل دلالت‌های اجتماعی آیات است؛ دلالت‌هایی که ناظر به ساختارها، روابط و مسائل جمعی حیات انسانی‌اند. در این رویکرد، قرآن به‌عنوان متنی زنده و

^۱ گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۴۵.

^۲ شاطبی، ابواسحاق، الموافقات، ج ۲، ص ۲۰۰.

^۳ مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، ص ۲۱-۲۵.